

شناسایی مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش و چگونگی تبلور آنها در فضای زیسته

فاطمه امیریان - دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

هما ایرانی بهبهانی* - استاد تمام دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

حسین سلطان زاده - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده

معماری به عنوان هنری کاربردی، در ارتباط با زندگی مردم بوده و در پاسخ به نیازها، خواسته ها، آرزوها و رویاهای مردم تحقق می یابد. با این وجود، ضرورت ایجاد حیات و زندگی در فضا به واسطه رویدادهای جاری در فضا، در روند طراحی معماری اغلب به دست فراموشی سپرده می شود، چرا که عوامل شکل دهنده به آن، پنهان و در بسیاری موارد غیرفیزیکی بوده و در سطوح و لایه های مختلفی مطرح می گردد و این موضوع، مسئله اصلی این پژوهش است. به همین دلیل، هدف این پژوهش شناسایی مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهایی است که می توانند به عنوان عاملی تأثیرگذار در زندگی بخشی به فضای زیسته عمل نمایند، امری که می تواند در فهم فضای معماری به مثابه محیط انسانی موثر واقع شده و ابعاد جدیدی از فضا را ارائه نماید. سوال اصلی پژوهش آن است که رویدادهای زندگی بخش چگونه رویدادهایی بوده و مولفه های موثر در شکل گیری آن ها چه هستند؟ در همین راستا، این پژوهش با روش تحقیق کیفی، به مطالعه و بررسی آراء نظریه پردازان حوزه های مختلف در مورد رویداد و ارتباط آن با فضا، مکان، زمان و حرکت پرداخته و همزمان با مطالعه کتابخانه ای - اسنادی، با حضور در متن رویدادهای مختلف، سطوح متفاوت تبلور حیات در فضا را مورد شناسایی قرار داده است. نتایج تحقیق حاکی از وجود سه سطح از مولفه های زندگی بخش، تحت عنوان: ۱- ویژگی ها دربردارنده ی، وابستگی به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادی فضایی آن، تنوع، اتمسفر تأثیرگذار، شکل دهنده به زنجیره ای از کنش ها و معانی سازمان یافته در یک کل، تداعی ها و نمادها، به مثابه جزئی از جامعه؛ ۲- قابلیت ها شامل دربرگیرندگی و هم افزایی، انسجام بخشی، رشد و مکان سازی و در نهایت ۳- فراهم آوردن امکان های حضور فعال گروه های اجتماعی و سنی مختلف و برقراری تعاملات اجتماعی میان آن ها، حضور فعالانه ی بدن و کالبد انسانی به عنوان واسط میان دنیای ذهنی و عینی، استفاده فعالانه از عنصر حرکت برای شکل دهی به فضا، ادراک حسی و ادراک چندوجهی است؛ و در صورت تعریف رویدادهای متناسب با این سطوح، می توان رویدادهایی زندگی بخشی را تعریف نمود که نه تنها خود دارای مراتب متنوعی از حیات هستند، بلکه قادر به زندگی بخشی، تعریف و در مرحله ای بالاتر تولید فضای زیسته خواهند بود.

واژگان کلیدی: رویدادهای زندگی بخش، فضای زیسته، مراتب حیات.

Identification of factors in the formation of life events and the manifestation of their living space

Abstract

Architecture as applied art is in relation to people's lives and is realized in response to their needs, desires, wishes and dreams. However, the issue of life creation in space is often forgotten in the process of architectural design, because the elements shaping it are mostly hidden, non-physical and are discussed in various levels and layers. Due to this reason, the purpose of this research seeks to identify effective components in formation of events that can act as effective factors in giving life to the lived space, which can be useful in understanding the architectural space as the effective human environment and presents new dimensions of space. The main question of this research is, what events are considered life-giving events and what are the efficient factors in formation of them. The results show that there are three levels of life-giving components, entitled: (1) Features include dependence on natural process of everyday life and its spatial freedom, diversity, impressive atmosphere, forming a chain of actions and meanings organized in a whole, associations and symbols, as a part of the society; (2) Capabilities include inclusiveness and synergies, integrating, growth and place making and ultimately; (3) Providing active participation of different social and age groups and social interactions among them, the active physical presence of the human as an interface between subjective and objective worlds, active use of movement element for shaping space, sensory perception and multifaceted perception.

Key words: life-giving events, lived space, the levels of life

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۶۳۵۶۷۸۳؛ رایانامه: Fateme.amirian@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده ی اول، تحت عنوان «نقش شبکه پنهان رویدادهای فرهنگی زندگی بخش در شکل-گیری فضای زیسته» است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تحت راهنمایی سرکار خانم دکتر هما ایرانی بهبهانی و تحت مشاوره جناب آقای دکتر حسین سلطان زاده در حال انجام است.

مقدمه

معماری هنری فضایی- زمانی است و به عنوان ظرف فضایی و پس زمینه امور و رخدادهای جاری زندگی، بیش از هر چیز در ارتباط مستقیم با زندگی مردم قرار داشته و بخشی جدایی ناپذیر از آن را شکل می دهد. هر فرد در طول زندگی خود، گهگاه در محیط هایی حضور یافته، که با وجود ساختار فیزیکی ابتدایی، دارای نوع خاصی از سرزندگی، روح و انرژی بوده که وی را احاطه کرده و تحت تأثیر قرار است. یعنی چیزی فراتر از ماده و وجه فیزیکی و کالبدی که با وجود آن که دیده نمی شوند، وجود دارند، چرا که حس می شوند، به ادراک در می آیند، موجد نگار ذهنی می گردند و به صور مختلف توسط مخاطب بیان می شوند. این امر بیش از هر چیز به علت وجود رویدادهایی است که در آن فضا واقع بوده و یا هنوز در جریان هستند و اثر خود را با تولید، تعریف و یا هویت بخشی بر فضا بر جای گذشته و بخش جدایی ناپذیری از آن ظرف فضایی گشته اند. «سنفورد وینتر» از دانش واژه رویداد برای پرداختن به «امری فعال»^۲ و مستعد تبدیل شدن به چیزی نو استفاده می نماید (زمان فعال، مکان فعال) (Kwinter, ۲۰۰۱: ۵). «هانجو برسِم» اظهار می دارد که در فضای رخدادی، هویت اشیا دیگر در شکل خاص آن ها نهفته نیست، بلکه در ساختار فضایی آن ها، در موقعیت های نسبی آن ها در یک زمینه فضایی ذاتاً پویا و پیچیده نهفته است (Berressem, ۲۰۰۵: ۹۳). فضا به رویداد واکنش نشان داده و به واسطه رویداد ترادیس می شود. رویداد خود را هم به عنوان عامل شکل دهنده فضا و هم به عنوان محصول برآمده از فضا به اثبات رسانیده است که حامی تعریف متقابل میان یک مکان و اعمالش است. این موضوع، در روند طراحی معماری اغلب فراموش می شود، چرا که اکثر معماران به سبب طبیعت رشته خود، به دنبال حل مسائل در قالب ارائه یک فرم و قالب شکلی هستند. به همین دلیل، عنصر هویت بخش و زندگی بخش رویداد و چگونگی فضا شدن آن، پایه اصلی این پژوهش را به خود اختصاص می دهد. هدف این پژوهش

شناسایی مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش و چگونگی تبلور آن در فضای زیسته است. در این راستا، در ابتدا پیشینه مفهوم رویداد در حوزه های مختلف از جمله علم، هنر، ادبیات، فلسفه مورد مطالعه قرار گرفته و سطوح مختلف برخورد با این مفهوم در معماری شناسایی گشته است. سپس از آنجا که هر رویداد در یک ظرف فضایی واقع می شود، ارتباط میان فضا، مکان و رویداد مورد بررسی قرار گرفته و با تکیه بر مفهوم فضای زیسته، به نحوه تبلور مفهوم حیات و زندگی در فضا و رابطه آن با رویداد، در دو دسته کلی عام و خاص پرداخته خواهد شد و در انتها، مولفه ها موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش تحت سه دسته کلی: ۱- ویژگی ها، ۲- قابلیت ها و در نهایت ۳- فراهم آورنده ی امکان ها مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق

روش تحقیق این نوشتار، روش کیفی است که داده های خود را با ارجاع به عقاید، ارزش ها و رفتارها در بستر اجتماعی دست نخورده به دست می آورد. (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۵۱) تحقیق کیفی در نقطه ی تمرکز خود چند روشی است و متضمن رهیافت تفسیری- طبیعی گرایانه به موضوع مورد مطالعه است. این به معنای آن است که پژوهشگران کیفی، اشیا را در محیط های طبیعی خود مطالعه کرده و تلاش می کنند، پدیده ها را بر حسب معنایی که افراد به آن ها می بخشند، معنادار کرده و تفسیر نمایند (Denzin & Lincoln, ۱۹۹۴: ۲). در روش کیفی، مهم ترین ابزار گردآوری داده مشاهده است (حیدری، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵). در تحقیق حاضر، پژوهشگر در ابتدا با حضور در بستر وقوع رویدادهای مختلف، به یادداشت برداری و ثبت تصویری موارد موثر در تعریف و زندگی بخشی به رویدادهای مختلف پرداخته و موازی با کار میدانی، به مطالعه کتابخانه ای- اسنادی نوشته های معماران و نظریه پردازان حوزه های مختلف در خصوص زندگی بخشی به فضا پرداخته است. سپس به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۷۶

جدول ۱. سطوح مختلف استفاده از رویداد در معماری؛ منبع: نگارندگان.

تعریف، هویت بخشی و وحدت بخشی به فضا، مکان و زمان	الکساندر (۱۳۹۰)، مِسی (۱۹۹۴)، کیسی (۲۰۰۱)، وینتر (۲۰۰۱)، دوسرتو (۱۹۸۴)، فلامکی (۱۳۸۶)
استفاده از رویداد به عنوان ابزار شناخت و تحلیل و طراحی فضا و تولید فرم	گائوستا (۲۰۰۳)، چومی (۲۰۰۰)، دریدا (۲۰۰۴)، دلوز (۲۰۰۳)؛ استفاده از تجربه فیلمیک در معماری: کوپ هیمبل بلاء، ژان نوول، رم کولهاس
بازآفرینی عنصر حیات در فضای معماری و شهری	ریچاردز و پالمر (۲۰۱۰)، لاندري (۱۹۹۶)، کویین (۲۰۰۵)، ایوانز (۲۰۰۳)

یافتن پارامترهای زندگی بخش به رویدادها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در روش تحلیل محتوا، تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرآیند طبقه‌بندی منظم کدها و شناسایی تم‌ها و الگوها صورت می‌پذیرد (Hesse&Sharlene, ۲۰۰۵: ۱۲۷۸).

پیشینه تحقیق

واژه «رویداد» از ریشه لاتین eventus به معنای رخداد، اتفاق، تصادف و همانند آن نشأت گرفته و آغاز استفاده از آن به سال ۱۵۷۰ میلادی باز می‌گردد. رویداد به عنوان بخشی از یک روند بوده و منحصر به فردی آن ریشه در خاص بودن آن دارد. (Gausta et al, ۲۰۰۳: ۲۰۳). موضوع رویداد، با مطرح شدن نظریه فضا- زمان و پس از آن نظریه‌های نسبیت عام و خاص آلبرت انیشتین و ادغام سه بعد فضایی و یک بعد زمانی و ایجاد محیط پیوسته و درهم تنیده‌ی چهار بعدی اهمیت زیادی یافت. عناصر اصلی آن این محیط، رویدادها هستند. یک رویداد نقطه‌ای است که دارای مکانی خاص در زمانی خاص است و رخداد و موقعیت فیزیکی در ارتباط با آن تعریف می‌شود (French, ۱۹۶۸: ۸۶). مفهوم رویداد در حوزه‌های مختلف از جمله هنر، ادبیات، فلسفه و معماری نیز وارد شده است. با ظهور هنر پاپ، «محیط و رویداد» اهمیت خاصی در آفرینش هنری یافتند. این ویژگی هنرمندان را به تجربه‌ی بازآفرینی و تکثیر رویدادها و واقعیت‌های جاری و رایج در محیط و مصرف پدیده‌های فرهنگ

عامه‌وا داشته و مفهومی تازه از هنر را مطرح می‌ساخت. برای خلق این مفهوم از صداها، محدوده‌های زمانی، حالت‌ها، احساسات و حتی بوی آکنده در محیط استفاده می‌شد (لوسی اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸). در آثار ادبی و به ویژه رمان‌های نوشته شده در قرن بیستم نیز شاهد اهمیت یافتن رویدادها هستیم. برای مثال، در رمان برجسته «در جستجوی زمان از دست رفته» نوشته مارسل پروست ۵ (نویسنده و مقاله‌نویس فرانسوی) روایت مداوم وجود نداشته و این رمان مبتنی بر لحظه‌هایی است که در آن‌ها، لایه‌ای از رویدادها در زمانی محسوس بیرون می‌ریزند. رمان پروست، با زمان بازی می‌کند (Forster, ۱۹۴۳: ۲۳۳). «مارسل پروست» سخت تحت تأثیر «هانری برگسون» ۶ (فیلسوف فرانسوی)، که فرضیه‌هایش در خصوص زمان در خور توجه است، قرار داشت. «ژاک درید» ۷ (فیلسوف فرانسوی) و «برنارد چومی» ۸ (معمار فرانسوی) نیز هر دو به مکان «واقع شدن یک رویداد» و بعد موقتی تجربه در فضا علاقه‌مند هستند. (نسبیت، ۲۰۰۴، ص ۱۴۶). مفهوم رویداد در معماری به شکل‌های مختلفی بروز یافته است. در این زمینه با سه دسته کلی زیر روبه‌رو هستیم:

۱- استفاده از رویداد برای تعریف فضا و مکان / هویت بخشی و وحدت بخشی به فضا و مکان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عام رویداد، تعریف نمودن فضا است. فضا تا هنگامی که صفتی یا ویژگی خاصی بر آن متصور نشده-ایم، وجودی است آمورف،



همگن و فاقد نقطه عطفی که به آن هویت بخشد. (فلامکی، ۱۳۸۶، صص ۱۳-۱۴). هر فضای معماری و فضای شهری به تناسب خود می تواند مکان واقع شدن رویدادها، در بازه های زمانی متفاوتی باشد. در این زمینه با دو دسته ی کلی از رویدادها روبه رو هستیم. دسته اول رویدادهایی هستند که در مکان هایی ثابت و در مدت زمانی طولانی، به صورت الگویی پیوسته و مداوم تکرار می شوند و به تدریج و در طول زمان، جزئی از هویت آن فضا می شوند، چراکه هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویدادها در آن مکان حاصل می شود (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۲۱). از جمله این رویدادها، می توان به رویدادهای جاری فضاهای طراحی شده برای عملکردهای خاص و معین اشاره نمود که در طول زمان محمل الگوهای رویدادی مرتبط با عملکرد خود می گردند. دسته دوم، رویدادهایی هستند که بیش تر جنبه ی موقتی داشته و در مکان هایی مختلف و در دوره های زمانی ثابت یا متغیر قابل وقوع هستند و از جمله آن، می توان به برگزاری جشنواره ها، کارناوال ها و سیرک ها، سان ها و رژه ها و حتی یکسری مراسم اساطیری آیینی و سنتی چون حرکت دسته جات عزاداری در ایام محرم، تعزیه، رقص های محلی و انواع دیگر آن اشاره نمود.

۲- استفاده از عنصر رویداد به عنوان نقطه آغاز روند طراحی و تولید فرم: استفاده از آن به عنوان ابزار شناخت و تحلیل فضا

پروژه ای که بر مبنای رویدادها آغاز می شود، از حوزه منحصر به فردی نشأت می گیرد. این موارد منحصر به فرد همان اندازه که وابسته به «فضا» هستند به «زمان» نیز وابسته اند (Gausta et al, ۲۰۰۳: ۲۰۳). برنارد چومی از جمله معمارانی است که از عنصر رویداد در طراحی خود بهره برده است. وی معتقد است که باید معماری را نه به مثابه ی یک شیء/بژه (اثر)، بلکه به منزله ی "تعامل فضا و رویدادها" دریافت کنیم (نسبیت، ۲۰۰۴، ص ۱۵۰). نکته ی اصلی در بحث وی آن است که کالبدها، فضا را با حرکت خود به وجود می آورند. برای مثال، کارناوال ها و نمایش هایی

که برای گروه کثیری از مردم اجرا می شوند، آشکارا وضعیت فضایی متفاوتی را در یک خیابان شهری ایجاد می کنند (همان منبع، ص ۱۴۸). قیاس میان «معماری و سینما» از جمله سایر تلاش ها، برای وارد کردن عنصر رویداد در طراحی معماری است. چرا که هم معماری و هم سینما، مبتنی بر انسجام فضا و زمان هستند (شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰). در بسیاری از مدارس معماری، فیلم ها به عنوان منابع الهام مطالعه شده و معمارانی پیشرو همچون «برنارد چومی»، «رم کواهاس» ۹، «کوپ هیمبل بلا» ۱۰ و «ژان نوول» ۱۱ از آن در روند طراحی خود استفاده نموده اند و اثر آن را می توان در ساختمان انستیتوی عرب، «ژان نوول» و «پارک لاولیت» برنارد چومی دنبال نمود (همان منبع، ص ۱۰۹). سابقه استفاده از سینما برای درک و تحلیل فضاهای شهری مدرن، به اوایل قرن بیستم باز می گردد که اندیشمندانی چون «زیمل»، «بنیامین» و «کراکائر»، بر اهمیت فیلم برای تفسیر پدیده های فضایی جهان مدرن تاکید می کردند (قهرمانی و دیگران، ۱۳۹۴، صص ۵۴-۵۷).

۳- بازآفرینی عنصر حیات در فضای معماری و شهری از طریق رویدادها

در این حالت، از رویدادها در راستای ایجاد پویایی بیش تر در شهرها و تبدیل آن ها به مکان های غنی قابل زیستن برای پاسخگویی به طیف گسترده ای از اهداف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی استفاده می گردد. «رویدادمداری»، اصلی ترین عامل تحرک در بازآفرینی شهرها شناخته می شود، چرا که رویدادها بسیار منعطف تر از اقسام قطعی زیرساخت های فیزیکی بوده و توانایی بیش تری در خلق اتمسفر دارند (Richards and Palmer, ۲۰۱۰: ۱۶-۱۹). «بازآفرینی شهری فرهنگ- مبنا» بر رویدادمداری و ترویج فعالیت های فرهنگی همزمان با احیاء و حفاظت از میراث شهری است (Landry et al, ۱۹۹۶: ۹-۱۰). حضور هنر در شهر و برپایی انواع فستیوال های هنری، راهبردی فراتر از اندیشیدن راه حل های کوتاه مدت برای رکود اقتصادی و مشکلات اجتماعی شهرها است (Quinn,

۲۰۰۵: ۹۲۷) با در نظر داشتن تمامی موارد فوق، نوشتار حاضر در پی شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخشی است که در تولید، تعریف و هویت بخشی به فضای زیسته تأثیرگذار هستند.

مبانی نظری

فضا، مکان و رویداد

هر محتوای فضایی با یک شیوه زندگی، حضور و یک نحوه شناخت همراه است (شایگان، ۱۳۹۲، صص ۸۸-۸۹). هر الگوی فضایی با الگوی رویدادی همراه است که این الگوی جامع، فضا و رویداد در ارتباط باهم به واسطه‌ی فرهنگ شکل گرفته و انتقال می‌یابد (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۷۸) و هر شیوه تولید اجتماعی، فضای ویژه خود را بازتولید می‌کند (Lefebvre, ۱۹۹۱: ۳۱). همه‌ی این موارد نشان از وجود ارتباط متقابل میان رویداد و ظرف فضایی آن و اهمیت مطالعه این ارتباط دارد.

در تحلیل «میشل دوسرتو» فضا «مکانی مشمول تردد»، «محل برخورد اجسام متحرک» است. با استفاده از لفظ مکان، شخص دست کم به یک رخداد، به یک اسطوره (مکان معروف)، یا به یک تاریخ ارجاع می‌دهد. (همان منبع، ص ۱۰۲). این مکان‌ها دست کم دارای سه خصیصه مشترک هویت، ارتباط و تاریخ هستند. (همان منبع، صص ۷۱-۷۲) کریستین نوربرگ شولتز ۱۸ گنش‌ها را تنها در نسبت با مکان‌های خاص با معنا می‌داند. (شولتز، ۱۳۹۳، ص ۲۲). «تیم کرسول» ۱۹ مکان‌ها را فضاهایی دانسته که توسط مردم معنادار شده‌اند. دوگانگی پایه‌ای میان فضا و مکان، با مطرح شدن ایده فضای اجتماعی هائری لفور، که دارای نقش مشابه مکان است، به چالش کشیده شد (Cresswell, ۲۰۰۴: ۷-۱۰). فضا از منظر لفور، نه تنها ظرفی منفعل و راکد نبوده، بلکه نبضی تپنده و زنده است. نقطه عطف کار لفور این بود که توانست با نظریه‌ای فراگیر، وجوه گوناگون فیزیکی، ذهنی و اجتماعی فضا را به هم بیامیزد و در عین حال مرزهای تمایز آن‌ها را نیز حفظ کند. (امیری و رضاپور، ۱۳۹۱، ص ۱۵). در نظریه لفور، فضا از سه بعد تشکیل شده

است:

۱. «**فضای دریافته**»: پیش از هر چیز، فضا امری است محسوس که به یاری حواس می‌توان به درک و دریافت آن رسید. (Goonewardena and others, ۲۰۰۸: ۳۹)

۲. «**فضای انگاشته**»: به جنبه‌ی ذهنی فضا باز می‌گردد و دربردارنده‌ی تصورات و تصاویر ذهنی پیشین هر کنشگر پیرامون فضا است که برآمده از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی کنشگران است (Lefebvre, ۱۹۹۱: ۳۴۶).

۳. «**فضای زیسته**»: تجربه‌ی زیسته‌ی کنشگران در فضا است. این فضا نه بازنمایی شده است نه انگاشته شده، بلکه در مقایسه با فضای انتزاعی معماران و شهرسازان، فضای زندگی روزمره و فضایی واقعی است (ibid: ۵۳).

به این ترتیب، درک و دریافت فضا، به همراه تصورات و انگاره‌هایی که از فضا وجود دارند، در کنار تجربه مستقیم زیستن و کنش در فضا، کلیتی را می‌سازند که فضا نامیده می‌شود. او برای تبیین نظریه تولید فضا، از سه مفهوم عمل فضایی ۲۳، بازنمایی فضایی ۲۴ و فضای بازنمایی شده ۲۵ استفاده نمود که از میان فضاهای بازنمودی مستقیماً از طریق تصاویر و نمادهای مرتبطش زنده بوده و یک هسته عاطفی داشته و کنش و موقعیت‌های زیسته را دربردارد؛ بنابراین فوراً به طور ضمنی زمان را می‌فهماند.

ادوارد سوچا ۲۶ بر مبنای تعریف لفور، فضا را برآیند روابط میان سوژها و ابرژه‌ها (فضای زندگی) دانسته است (سوچا، ۱۹۹۰، ص ۱۲۰). فضای زیسته در ادبیات پدیده‌شناسی، «فضایی وجودی» است که بر مبنای خاطره و تجربه‌ی فردی، گروهی و اجتماعی ساخته می‌شود که سازنده‌ی این همانی‌های جمعی است (شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۵۳). «رلف» معنای فضای زیسته را ناشی از مکان‌های وجودی و ادراکی می‌داند که بدون واسطه تجربه شده باشند (Relph, ۱۹۷۶: ۲۶). تمرکز این نوشتار بر تعریف هائری لفور و ادوارد سوچا از فضای زیسته است، چرا که به این ترتیب فضا، مکان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۷۹

و زندگی در ارتباط با یکدیگر تعریف شده و می توانند به عنوان ظرف فضایی رویداد واقع شوند.

در تعریف «دورین مَسی»^{۲۷} از رویداد، هر دو امکان آفرینش/تعریف فضا و زمان به امر رویدادی نسبت داده شده است (Massey, ۱۹۹۴: ۲۶۳). از نظر «ادوارد کیسی»^{۲۸} «رویداد را می توان به منزله فضایی- زمانی سازی یک مکان تلقی کرد» (Casey, ۲۰۰۱: ۳۳۹). وی قدرت مکان را در گردهم آوری هریک از زندگی ها و چیزها، با فضا و زمان خاص خودشان در عرصه ای از روابط مشترک می داند (Casey, ۲۰۰۹: ۳۲۹). با در نظر گرفتن رویداد به عنوان جزء تشکیل دهنده مکان و گشایش فضا به سمت زمان، فضا دستخوش «ترادیسی»^{۲۹} و «تغییر شکل»^{۳۰} قرار می گیرد. به این ترتیب، فضا تنها تنظیم کننده ی رویدادها و روندها نبوده، بلکه آن ها را با یکدیگر همراه می کند (Grosz, ۲۰۰۱: ۱۱۶-۱۱۹). به بیان دیگر، روابط پیچیده میان رویدادها، عامل شکل دهنده ی مکان های مختلف بوده و جغرافیاهای متنوع و ظاهراً نامرتب با هم، از طریق رویدادها با یکدیگر تلاقی یافته و همدیگر را تعریف می کنند.

نحوه تبلور مفهوم حیات و زندگی در فضا و رابطه آن با رویداد

مفهوم زندگی و حیات در درجه اول با حرکت در طول فضا، گذر زمان و تغییرات ایجاد شده به واسطه ی آن، درک می شود. اگر فرد، با عبور از داخل فضاها، یا در عبور از یک مسیر، فضاها را با یکدیگر را ادراک نموده و بتواند آن ها را مرتبط با یکدیگر تلقی نماید، توالی فضایی معنا خواهد یافت (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۶۷). به علاوه، هر حرکتی احتیاج به زمان دارد. بدون زمان ما قادر به درک حرکت نیستیم (گروتز، ۱۳۹۳، ص ۳۲۵). گذر زمان و به تبع آن تغییرات رخ داده در طول زمان، در ذات خود دارای پویایی هستند. محیط زیست طبیعی و انسان ساز ما دائم در تغییر است. این تغییرات ممکن است عینی و یا تنها ادراکی باشد. زمان نیز در ذات خود دارای حرکت است. به این ترتیب می توان گفت که عنصر رویداد به واسطه ی وابستگی خود به

زمان و حرکت، به صورت عام دارای حیات است. اما پدیده حیات و ارتباط آن با رویداد، از زوایای دیگری نیز قابل بررسی است. یکی از بهترین تعاریف از حیات، توسط کریستوفر الکساندر ارائه شده که در دو بستر حیات از منظر شکلی- ساختاری و حیات از منظر الگوهای جاری در فضا، قابل ردیابی است. وی در کتاب «سرشت نظم»^{۳۱} خود، بیان می کند که حیات مفهومی مکانیکی و محدود نبوده و کیفیتی است که در ذات فضا نهفته است (الکساندر، ۱۳۹۲، ص ۳۰). منظور وی از حیات، به معنای جامع آن، چه از نظر شکلی، هندسی، ساختاری، اجتماعی و زیست شناسی است. (همان منبع، ص ۴۹). از نظر او، حیات کیفیتی است که از طریق وجود ساختاری متمایز و قابل تشخیص در کلیت رخ می دهد. (همان منبع، ص ۸۱). الکساندر در کتاب «راه بی زمان ساختن»^{۳۲} زنده بودن هر بنا یا شهری را منوط به التزام آن به راهی بی زمان و شناخت کیفیت بی نام می داند که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا، یا طبیعت بکر است (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۲۱). به علاوه، وی در کتاب «زبان الگو»^{۳۳} توجه خود را بر مفهوم الگوها [مربک از فضا و رویداد] متمرکز ساخته، اما آن را بیش تر برحسب عملکرد تا هندسه توصیف می کند. (شولتز، ۱۳۹۳، ص ۱۳). به این ترتیب، به حیات الگوهای جاری در فضا و نحوه تحقق آن می پردازد. همان گونه که در بخش قبل اشاره شد، تولیدات هر جامعه برآمده از شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص آن ها است، چرا که به گفته ادوارد تی هال، فرهنگ در اعماق سیستم عصبی فرد نفوذ کرده و تعیین کننده نحوه ادراک او از جهان است (تی هال، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲). به این ترتیب، تولیدات هر جامعه ای می تواند دارای مرتبه ای از حیات از منظر معنایی- مفهومی، در تناسب با شرایط فرهنگی- اجتماعی آن جامعه باشد. در این سطح از حیات، اهمیت مخاطب و نحوه درک او از جهان مطرح می گردد. میزان حضور گروه های مختلف اجتماعی و میزان استفاده مداوم شهروندان از فضا نیز می تواند، منجر به مرتبه ای از حیات از منظر تنوع زیستی گردد

جدول ۲: سطوح مختلف حیات قابل مطالعه در خصوص رویدادها؛ منبع: نگارندگان.

سطوح مختلف حیات	عام	زمان، حرکت، تغییر و پویایی	تأکید بر عنصر حرکت به عنوان عامل شکل دهنده ی فضا و زمینه ساز ایجاد ساختار تجربیات پشت سر هم و توالی فضایی؛ نقش عنصر زمان و گذر آن در شکل گیری عنصر حرکت و پویایی و زمینه ساز شکل گیری تغییرات در پدیده ها؛ اهمیت موضوع روند و حرکت تدریجی
	خاص	شکلی-ساختاری	حیات به عنوان کیفیت نهفته در ذات فضا به واسطه ی وجود ساختاری متمایز و قابل تشخیص در کلیت آن؛ وجود مرتبه ای از حیات در هر شیء؛ وجود مولفه های هندسی موثر در شکل گیری عنصر حیات در ساختارهای طبیعی و غیرطبیعی
		الگوهای جاری در فضا	اهمیت مفهوم الگوها [مركب از فضا و رویداد] و بیش تر تمرکز بر مفهوم عملکرد
		معنایی-مفهومی	اهمیت نقش فرهنگ و پیشینه فرهنگی کاربران و مخاطبین هر فضا؛ ارتباط متقابل میان محتوای فضایی با شیوه زندگی و حضور در هر جامعه؛ تولیدات هر جامعه برآمده از شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص آن ها
		زیستی	حضور گروه های مختلف اجتماعی و رده های مختلف سنی از کودک تا سالمند و استفاده مداوم شهروندان از فضا؛ سرزندگی و پویایی اجتماعی؛ امکان مشارکت در زندگی اجتماعی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۸۱

و هرچه این میزان بیش تر شود، پویایی و سرزندگی آن فضا افزایش خواهد یافت (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶). به این ترتیب، سطوح مختلف حیات در خصوص یک رویداد و همچنین ظرف فضایی تحقق آن به شکل زیر خواهد بود:

هر رویداد، به تناسب خود مرتبه ای از این موارد را دارا است و هرچه یک رویداد در سطوح مختلف از حیات بیش تری برخوردار باشد، غنی تر، پویاتر و تأثیرگذارتر خواهد بود. در این بین رویدادهایی وجود دارند که نه تنها خود دارای حیات هستند، بلکه به ظرف فضایی خود نیز زندگی می بخشند. بنابراین نکته حائز اهمیت شناسایی مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش بوده و تحت سه عنوان ویژگی ها، قابلیت ها و فراهم آوردن امکان ها مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته ها: مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش

۱- ویژگی ها

۱-۱- وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادی فضایی آن

رویدادهای زندگی بخش بیش از هر چیز با روند طبیعی زندگی عادی و روزمره و آزادی فضایی آن در ارتباط هستند. زیبایی در چیزهای طبیعی پدیدار می شود، در چیزهایی که به به طور طبیعی تکامل یافته اند و حامل هیچ نشانه و پیامی نیستند. (زومتور، ۱۳۹۴، ص ۳۵). آنچه در دنیای ما بهترین حیات به نظر می رسد، حیاتی است که از تلاش های ساده و طبیعی ما، از حرکات ناشی از احساسات مان و از احساس ما از لذت و آزادی نشأت گرفته و ژرف و تکان دهنده است. (تصویر ۱) اغلب خیلی معمولی اند.



تصویر ۱. بازی کودکان، نمودی از رویدادهای روزمره؛ مأخذ: National

Geografic

روندی ممکن است که طی آن، مردمی که خود جزئی از آن اند، الگوها را بی آفرینند و نگهداری کنند. شهر یا بنا نیز جریان مدام روندهاست. (الکساندر، ۱۳۹۰، صص ۳۰۶-۳۰۸).

۱-۲- تنوع

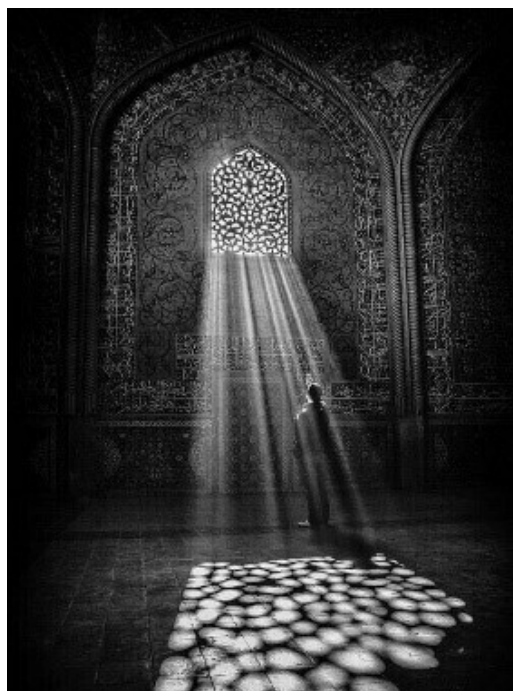
پیش از این در خصوص مراتب حیات خاص سخن گفته شد. هریک از این موارد تولیدکننده‌ی شکل‌ها و ساختارها، الگوها و عملکردها، معناها و مفهوم‌های متنوعی بوده و گروه‌های اجتماعی و سنی مختلفی را مخاطب قرار می‌دهند. به این ترتیب، به واسطه سطوح مختلف مراتب حیات، با تنوع‌های شکلی-ساختاری، الگوهای جاری، عملکردی، معنایی-مفهومی و تنوع‌های زیستی روبه‌رو خواهیم بود که همه این‌ها در کنار یکدیگر، تولیدکننده‌ی تنوع‌های فضایی خواهند بود.

۱-۳- اتمسفر تأثیرگذار

رویدادهای زندگی بخش، به فضا اتمسفری تأثیرگذار می‌بخشند؛ اتمسفری که ما را فرا می‌گیرد و از حضور ساده چیزها آکنده است. (تصویر ۳) به علاوه، میان اتمسفر یک فضا و تصویر ذهنی ما از آن فضا پیوند وجود دارد. در این زمینه زومتور چنین نوشته است: به معماری که فکر می‌کنم، تصاویر در خاطرم زنده می‌شوند. چنین خاطراتی دربردارنده عمیق‌ترین تجربه‌های معمارانه‌ای هستند که من سراغ دارم؛

با این حال دارای انسجامی ساده و حیات‌بنیان هستند که با طراحی آفریده نشده، بلکه محصول روندهای کوچکی برآمده از یک روند زنده است. (الکساندر، ۱۳۹۲b، صص ۱۶۳-۱۶۴). همچنین، زندگی روزمره در یک بستر فضایی همچون فضاهای شهری و فضاهای معماری واقع می‌شود، یعنی فضایی که شهروندان هرروز به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در طول راه، از منزل تا محل کار ادراک می‌شود. (پاکزاد، ۱۳۷۶، صص ۳۲-۳۳). کسی که در یک شهر زندگی می‌کند، دارای یک رابطه فضایی و زمانی تکرارشونده و متعارف با شهر دارد (فکوهی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۲-۳۳۳). هانری لفور فضا را از یک سو تجربه‌ی تاریخی و ازسویی دیگر تجربه‌ی زندگی روزمره‌ی آدمیان دانسته است. (فکوهی، ۱۳۸۳، صص ۲۳۲).

از نظر پیتر زومتور معماری ساحت وجودی خود را داشته و در یک رابطه‌ی مادی خاص با زندگی قرار دارد. (تصویر ۲) در تصور او، معماری در درجه اول نه پیام است و نه نشانه، بلکه پوشش و پس زمینه‌ای است برای امور و رخداد‌های جاری زندگی (زومتور، ۱۳۹۴a، صص ۱۷). از نظر او، معماری در معرض زندگی قرار دارد. اگر کالبدش به قدر کافی حساس باشد، می‌تواند کیفیتی را پدید آورد که بر واقعیت زندگی گذشته شهادت دهد. ایجاد شهر زنده نیز فقط از طریق



تصویر ۳. بارش نور در فضای داخلی مسجد، نمودی از
اتمسفر تأثیر گذار؛ مأخذ: www.pinterest.com



تصویر ۲. نمودی از رویدادهای روزمره؛ مأخذ: www.mulpix.com

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۸۳

ایده آل نقشی محوری در مفهوم سازی مکان ایفا می کنند رویدادهای جاری خاطرات را به یاد می آورند. «ناگهان، بر حسب تصادف، تقارن یک احساس واقعی معین و یک احساس معین پیشین، یادآوری خاطرات را رقم می زند. خاطرات فراموش شده مجدداً بازی گردند. در نتیجه به مدد حافظه، زمان از دست نمی رود و چنانچه زمان از دست نرود، فضا نیز از دست نمی رود.» (Poulet, ۱۹۷۷: ۵۷-۵۸) با این حال، همان طور که «جولیا برونو» در روند به یادآوری مثال می زند، فضا می تواند رویداد را به خوبی تعریف کند، چراکه حافظه منبعث از تجربه روایی، متحرک و معمارانه از محل است (Bruno, ۲۰۰۷: ۱۷).

۶-۱- به مثابه جزیی از جامعه

فرد بالغ در زندگی اش چیزی را کشف خواهد کرد که فرهنگ، تربیت، کتاب ها و سنتش به او آموخته اند که در آن زندگی بیابد. رابطه ای که با خودم برقرار می کنم، همواره به وساطت فرهنگی و زبانی شکل می گیرد که از بیرون دریافت کرده ایم. (مرلوپونتی، ۱۳۹۴، ص ۷۸).

ذخایری غنی از تصویرها و اتمسفرها (زومتور، ۱۳۹۴، صص ۱۳-۱۴).

۴-۱- شکل دهنده به زنجیره ای از کنش ها و معانی سازمان یافته در یک کل

تصور ورود به یک بنا، حتی به یک ساختمان یا یک کلبه ساده، زنجیره ای از کنش ها را ایجاد می کند که کمتر از یک عمل زبانی، بیان، گزاره یا زنجیره ای از جملات پیچیده نیست. به بناها نباید نه به عنوان مجموعه ای از نمادها و نه زنجیره ای از نشانه ها نگریست. یک بنا نه یک اُژه و نه انباشتی از اُژه های متنوع است. یک چنین فضایی با آنچه ممکن است در آنجا روی دهد و نتیجتاً با آنچه ممکن است در آنجا اتفاق نیفتد، تعریف می شود. وضعیت صوتی، حرکات حرکتی و آیینی، عناصر، زنجیره های معناها و... همگی در یک کل عظیم سازمان دهی می شوند. (لفور، ۱۳۹۱، صص ۲۷۹-۲۸۰).

۵-۱- دربردارنده ی تداعی ها و نمادها

بسیاری از نظریه پردازان نشان داده اند که فضاهای



تصویر ۴: رقص های محلی، رویداد بومی؛ مأخذ: شهبازی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۶.

۴- روح ناشی از تعاملات و واکنش های رو به تصاعدی که بر اثر وحدت نظر و اشتراک در یک هدف واحد مرتباً افزایش می یابد و نتایجی به بار می آورد که افراد در تنهایی هرگز قادر به انجام آن نیستند.

۵- انسجام گروهی (رابینز، ۱۳۸۱، ص ۵۱۹).

رویدادهای زندگی بخش قادر به گردهم آوردی زمان ها، مکان ها، فضاها، گوناگون و در مقیاس های مختلف است. به علاوه، از آنجا که یک رویداد همچون یک جریان و شار انرژی عمل می نماید، قادر به دربرگیری قطعات همگن و ناهمگن در ارتباط با جریان خود خواهد بود.

۲-۲- قابلیت انسجام بخشی

در شکل گیری رویداد عوامل مختلف گرد هم می آیند و در همکاری با یکدیگر یک رویداد در ظرفی فضایی واقع می شود و با آن در تعاملی دوسویه قرار می گیرد. همه این موارد نشان از قابلیت انسجام بخشی به یک مجموعه از اشکال، ساختارها، الگوها، عملکردها و معانی و مفاهیم دارد که به واسطه یک رویداد، گرد هم آمده و در کنار یکدیگر و با همکاری هم زمینه وقوع آن را فراهم می آورند. به قول زومتور، همه چیز با یکدیگر جور است، حیرت انگیز، غافل گیرکننده و طبیعی، مثل دست انسان (زومتور، ۱۳۹۴، ص ۸۳).

۲-۳- قابلیت رشد

رشد شهر نه زاده ذهن یک نفر است و نه زاده یک گروه منسجم از اذهان. شهر زاده میلیون ها میلیون فعالیت منفرد ساختمانی است (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۴۳۲). از آنجا که رویدادهای زندگی بخش و وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره افراد است، بنابراین یک نفر مولف آن نبوده و این رویدادها قابلیت رشد و توسعه در زمان ها و مکان های مختلف و توسط افراد مختلف را می بایست دارا باشند. به علاوه رویداد به واسطه ذات خود قابلیت قرارگیری و تکرار در ظرف ها با مقیاس های مختلفی را دارند. در واقع، زندگی، روح و سیستمی زنده و مجموعه ای از الگوی رویدادهای همجوار و در تعامل با یکدیگر است که در هر یک رویدادهای مشخصی بارها و بارها تکرار می شود.

رویدادهایی که شخصیت منحصر به فرد شهرها را بدان ها می بخشند، برآمده از متن زندگی مردم هر جامعه بوده و حتی در برخی از موارد، تنها برای افراد آن جامعه و یا افراد یک حیطه جغرافیایی مشخص دارای معنی است. (تصویر ۴).

۲-۲- قابلیت ها

۲-۱- قابلیت دربرگیری و هم افزایی

رویدادهای زندگی بخش قابلیت دربرگیری و هم افزایی دارند. هم افزایی زمانی رخ می دهد که نتیجه کنش (اثر) دو یا چند ماده بر یکدیگر، از جمع اثرات یکایک آن مواد بیشتر باشد (رابینز، ۱۳۸۱، ص ۴۸۹). ژاکوب لوی مورنو ۳۶ معتقد است که واقعیت زندگی انسان، جنبه کنش و واکنش میان افراد است و آنچه که حاصل این تعاملات اجتماعی و روابط بین فردی است، نتایجی به بار می آورد که از جمله آن ها، هم افزایی است. البته علت آن را نمی توان صرفاً با تعداد و کثرت جمعیت توجیه کرد، بلکه برای بروز خود نیازمند شرایط زیر است:

۱- داشتن هدف مشترک؛

۲- وجود تعامل و داشتن هویت ارزشی و فرهنگی مشترک (رضاییان، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹)؛

۳- ویژگی های خاص تعیین کننده ی قوانین اجتماعی گروه؛



تصویر ۵. تکیه تجریش در دهه محرم، نمودی از مکان شکل گرفته به واسطه یک رویداد؛ مأخذ: نگارندگان.

(همان منبع، ص ۶۲).

۲-۴- قابلیت مکان سازی

آن گونه که قبلاً اشاره شد، رویدادها می توانند هر دو امکان آفرینش/تعریف فضا و زمان را در پی داشته و به فضا هویت داده و آن را مکان مند نمایند. در صورتیکه یک فضا پذیرا بوده و قابلیت تطبیق پذیری و انعطاف پذیری داشته باشد، در آن صورت می تواند دربرگیرنده رویدادهای گوناگونی گردد. (تصویر ۵) در این میان، نکته حائز اهمیت در خصوص رویدادها آن است که در هر فضایی قرار بگیرند، آن فضا را به یک «جا» تبدیل کرده و دارای خاصیت مکانی می گردانند. چرا که مشخصه مکان بنابر تعریف مارک اوژه، به دلیل تلفیقی که از هویت و رابطه به دست می دهد، وجود یک ثبات حداقل است و از زمانی که چنین می شود، مکان ضرورتاً به امری تاریخی بدل می گردد. (اوژه، ۱۳۸۷، ص ۷۴).

۳- فراهم نمودن امکان ها

۳-۱- فراهم نمودن امکان حضور فعال گروه های اجتماعی و سنی مختلف و برقراری تعاملات اجتماعی

اهمیت واقعی شهر، در نوع تعامل مردمش با محیط نهفته است. تعامل مردم بر ادراکشان و البته ادراک ایشان بر تعامل شان تأثیر می گذارد (باندز، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴). در توضیح حیات از منظر زیستی به این موضوع

به صورت کامل پرداخته شد. به صورت خلاصه، هدف اصلی افزایش میزان حضور و استفاده مداوم شهروندان از فضا، افزایش پویایی و سرزندگی شهری، برقراری تعامل میان گروه های مختلف اجتماعی و سنی و به دنبال آن ایجاد همکاری و مشارکت اجتماعی به واسطه رویدادهای زندگی بخش است.

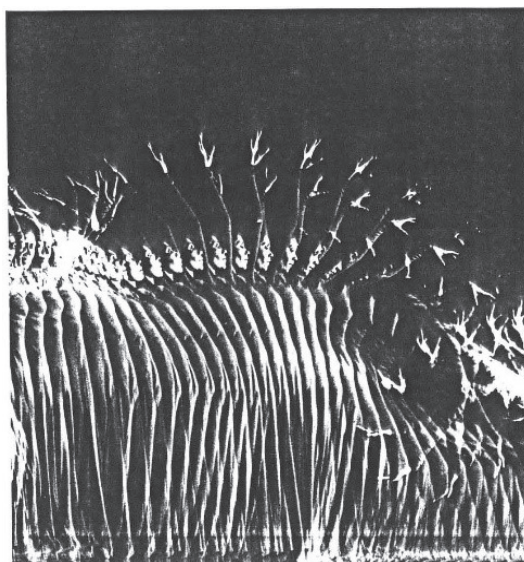
۳-۲- فراهم نمودن امکان حضور فعالانه ی بدن و کالبد انسانی به عنوان واسط میان دنیای ذهنی و عینی

آگاهی انسان، آگاهی تجسدیافته و مبتنی بر حواس است. (تصویر ۶) همان گونه که ژان پل سارتر ادعا می کند: «ادراک کیفیتی که از بیرون به وجود انسان تزریق گردد، نیست؛ بلکه روش خاصی از بودن انسان است». (پالاسما، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۸) ادراک کردن، بدن داشتن است و بدن داشتن، سکونت در جهان است. (کارمن، ۱۳۹۰: ۳۹). بدن بخشی از دستگاه حافظه ماست. (Cassey, ۲۰۰۰: ۱۴۸) کیسی به نقش بدن در عمل به خاطر سپاری اشاره می کند: «حافظه تن کانون طبیعی هر دریافت حسی به خاطر سپاری و به یادآوری است». (Ibid: ۱۷۲) همچنین از نظر وی به واسطه بدن ها است که شخصیت مکان ها فرهنگی می گردد و در دیدگاه او «واژه میانی مابین مکان و خود» همان ریخت بدن ۲۸ است. در فعالیت فرهنگی، ریخت بدن را می توان به عنوان منظور ما برای ایجاد رویدادها و به واسطه ی آن، مکان ها تلقی کرد. (Cassey, ۲۰۰۹: ۶۸۶)

۳-۳- فراهم نمودن امکان استفاده فعالانه از

عنصر حرکت برای شکل دهی به فضا

عامل حرکت خود می تواند شکل دهنده به فضا باشد. در حرکات سازمان یافته، یعنی حرکات آیینی شده و رمزی شده، بدن ها خودشان فضاها را ایجاد می کنند. (تصویر ۷) همچنین، قلمرو حرکتی خرد روزمره فضاها را خودش را ایجاد می کند (برای مثال، پیاده روها، راهروها، مکان های غذاخوری)، و همین طور قلمرو حرکتی کلان بسیار رسمی فضاها را خودش را به وجود می آورد (برای مثال دالان های کلیساهای



تصویر ۷. نگاشتی از رقص سماع، نمودی از تعریف فضا به واسطه عنصر حرکت؛ مأخذ: www.musicema.com



تصویر ۸. بازار روز سبزی و میوه، فضایی با ادراک چند وجهی؛ مأخذ: www.mole24.it

۳-۴- فراهم نمودن امکان ادراک حسی

فضای جهان به ادراک درآمده فضای واحد «عقل غیرمتجسد» نیست، بلکه همچون فضای مادی، حائز نواحی و مناطق متفاوتی است که انتظارات ما از اشیایی که در آن‌ها می‌یابیم به آن نواحی و مناطق ساختار می‌بخشند (مرلوپونتی، ۱۳۹۴، ص ۲۶). هر کیفیت با کیفیاتی در ارتباط است که به سایر حواس پیوند خورده‌اند. زیبایی به واسطه‌ی ادراک حسی دریافت می‌شود. عقل در این میان نقش چندانی ندارد. به

مسیحی یا سکوها). وقتی که یک فضای حرکتی با مفهومی از جهان با نظام نمادین خود پیوند می‌خورد، نتیجه‌اش ممکن است یک آفرینش بزرگ باشد (لفور، ۱۳۹۱، صص ۲۷۱-۲۷۲). پیتر زومتور نیز فکر کردن به نحوه‌ی حرکت مردم در ساختمان و قطب‌های موجود در مکانی را یکی از پارامترهای مهم طراحی می‌داند. از نظر وی هنر ظرفیتی از فریفتن وجود دارد، تا مردم را وادار به حرکت کند و این به قدرت معمار بستگی دارد (زومتور، ۱۳۹۴b، ص ۵۵).

جدول ۳. مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش؛ منبع: نگارندگان.

مؤلفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش	ویژگی ها	وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادی فضایی آن	تکوین به صورت طبیعی، بی ادعا، ژرف، تکان دهنده، دارای انسجامی ساده و حیات بنیان، محصول روندهای کوچک و زنده، غیر قابل پیش بینی، زاینده و پویا، آزادی، سازگاری، تعامل با شرایط محیطی، نوعی آگاهی از گذر زمان و دریافتی از زندگی انسان
		تنوع	تنوع های شکلی- ساختاری، الگوهای جاری، عملکردی، معنایی- مفهومی و تنوع های زیستی همه این ها در کنار یکدیگر، تولیدکننده تنوع های فضایی
		اتمسفر تأثیرگذار	دارای حال و هوای خاص، آکنده از حضور ساده ی چیزها، دارای غنای محیطی، وجود پیوند میان اتمسفر یک فضا و تصویر ذهنی ما از آن، خلق اتمسفر مبتنی بر حس مشترک
		شکل دهنده به زنجیره های از کنش ها و معانی	تعریف فضا از طریق رویدادهای واقع شده و واقع نشده در آن، وجود زنجیره های معنایی و نمود آن ها در قالب وضعیت صوتی، حرکات، چشم- اندازها، گروه های عناصر و ...
		دربدارنده ی تداعی ها و نمادها	رویدادهای جاری زمینه ساز یادآوری خاطرات پیشین، از دست رفتن زمان و فضای پیشین، حافظه منبعث از تجربه روایی، متحرک و معمارانه از محل
		به مثابه جزئی از جامعه	وابستگی به فرهنگ، زبان، رویاها و آرزوهای برآمده از جامعه، برآمده از محیط، در ارتباط با مناسک، آداب و رسوم و افسانه های بومی و محلی، دارای معنی برای افراد آن جامعه
	قابلیت ها	دربگیرندگی و هم- افزایی	نتیجه بیش تر از حاصل جمع اثرات یکایک دو یا چند ماده، اثر مضاعف، هم کنشی، وقوع به دلیل وجود هدف و هویت ارزشی و فرهنگی مشترک، ویژگی های خاص و انسجام
		انسجام بخشی	گردهم آوری عوامل مختلف دربردارنده ی اشکال، ساختارها، الگوها، عملکردها و معانی و مفاهیم توسط رویداد در قالب یک کلیت واحد، وابسته سازی عوامل به یکدیگر
		رشد	قابلیت رشد و توسعه در زمان ها و مکان های مختلف و توسط افراد مختلف، قرارگیری و تکرار در ظرف های فضایی با مقیاس های مختلف، انرژی و تأثیرگذاری بیش تر آن ها
		مکان سازی	آفرینش/تعریف فضا و زمان، مکان مند نمودن فضا از طریق هویت بخشی، ارتباط یابی و وابستگی به تاریخ
	فراهم نمودن امکان ها	حضور فعال گروه های اجتماعی و سنی مختلف	افزایش میزان استفاده مداوم شهروندان از فضا، افزایش سرزندگی شهری، برقراری تعامل اجتماعی میان گروه های مختلف اجتماعی و سنی، ایجاد همکاری و مشارکت اجتماعی
		حضور فعال بدن و کالبد انسانی (واسط میان دنیای ذهنی و عینی)	تن انسان به عنوان موجودیتی شناسا، بدن به عنوان بخشی از دستگاه حافظه و نقش آن در عمل به خاطر سپاری. بدن ها به عنوان واسط میان مکان و خود

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۸۷

تولید فضا به واسطه‌ی حرکت بدن‌ها، ریتم‌بخشی به فضاها به واسطه‌ی تکرار حرکات در داخل آن‌ها، تولید فضای ویژه‌ی هر نوع قلمروی حرکتی، طراحی سکانس‌های حرکتی	استفاده فعالانه از عنصر حرکت برای شکل‌دهی به فضا		
وجود کیفیات متعدد در خصوص یک تجربه، پیوند میان هر کیفیت با کیفیاتی در ارتباط با حواس، وجود ارتباط میان احساسات و اشیای پیرامون، ادراک چندحسی	ادراک حسی		
هم‌افزایی حاصل از حضور فعالانه‌ی بدن، استفاده فعالانه از عنصر حرکت و ادراک حسی به همراه ویژگی‌ها و قابلیت‌های رویدادهای زندگی‌بخش در قالب یک کلیت واحد	ادراک چندوجهی		

کل تجربه خواهند کرد (لفور، ۱۳۹۱، ص ۲۷۶).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

این نوشتار در پی شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی‌بخش و چگونگی تبلور آن در فضای زیسته بوده است. این شناخت می‌تواند در فهم فضای معماری، و رای کالبد فیزیکی و به مثابه محیطی انسانی موثر واقع شده و ابعاد دیگری از فضا را ارائه نماید که اغلب در روند طراحی مورد غفلت قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر، شاید تغییرات ظاهری (فرم)، واقعی‌تر و قابل درک‌تر به نظر برسند، اما تغییرات حقیقی بطنی و بطئی بوده و در طول یک روند زمانی، به تدریج و آرام به وقوع می‌پیوندند، گویی جزئی از روند طبیعی بوده و هم‌راستا، هم‌نوا و هم‌سازگار با آن عمل می‌نمایند. همچنین، از آنجا که رویدادها و ظرف فضایی تحقق آن‌ها در ارتباطی دوسویه نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند، نیاز به پژوهش بیش‌تر در خصوص شناسایی ظرف مکانی و زمانی مناسب تحقق این رویدادها خواهد بود، تا از طریق برآیند شناسایی رویدادهای زندگی‌بخش و ظرف وقوع آن، روند تولید این رویدادها و چگونگی تکرار آن‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. در اینجا به اختصار، یافته‌های این پژوهش ارائه می‌شود.

منابع و مآخذ

- ۱- اوژه، مارک. (۱۳۸۷). نامکان‌ها: درآمدی بر انسان‌شناسی سوپرمدرنیت. ترجمه منوچهر فرهموند، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۲). سرشت نظم،

اعتقاد زومتور، ما آن زیبایی را که محصول فرهنگ ما و همخوان با تربیت مان است، آن‌ا تشخیص می‌دهیم، چراکه با شکل یا ترکیبی مواجه می‌شویم که در قالب نمادی متراکم شده و بسیاری از صفات شگرف و تأثیرگذار را در یک جا در خود جمع کرده است: بدیهی، طبیعی، آرام، باوقار، رازآمیز، ژرف، محرک، مهیج، دلهره‌آور... بین احساسات ما و چیزهای پیرامونمان رابطه‌ای دوسویه برقرار است (زومتور، ۱۳۹۴، ص ۹۴). شهر نیز با مشارکت حواس و به واسطه‌ی کالبدمان دریافت می‌شود. تفاوت شهرها، تفاوت در ادراک چندحسی آن‌ها است (شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۸۲).

۳-۵- فراهم نمودن امکان ادراک چندوجهی

منظور از ادراک چندوجهی هم‌افزایی حاصل از حضور فعالانه‌ی بدن و کالبد انسانی، استفاده فعالانه از عنصر حرکت و ادراک حسی به همراه ویژگی‌ها و قابلیت‌های برشمرده شده برای رویدادهای زندگی‌بخش در قالب یک کلیت است. (تصویر ۸) هانری لفور در جایی از کتاب تولید فضای خود، استفاده از فضای عظیم کلیسای جامع را دربرگیرنده پاسخ همه‌ی پرسش‌های بازدیدکنندگان کلیسا عنوان داشته است؛ زیرا بازدیدکنندگان باید از صدای پایشان آگاه باشند و به سروصداهایی و به آواهایی گوش بدهند، آن‌ها باید هوایی انباشته از دود‌گندر استشمام کنند، و در دنیای خاصی غرق شوند، آن‌ها بهره‌ای از یک ایدئولوژی خواهند داشت، آن‌ها به نمادهای اطرافشان خیره شده و آن‌ها را رمزگشایی خواهند کرد، و بنابراین آن‌ها، براساس بدن‌های خودشان، کل بودن را در یک فضای

ساختارهای زنده در معماری. جلد اول: پدیده حیات. چاپ دوم. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.

۳- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۲b). سرشت نظم. جلد دوم: فرآیند آفرینش حیات. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.

۴- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۰). معماری و راز جاودانگی (راه بی زمان ساختن). ترجمه مهرداد قیومی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۵- امیری، نادر و رضایور، آر. (۱۳۹۱). "هنری لفور و تولید اجتماعی فضا". فصلنامه علمی و ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، شماره ۴، ص ۱-۱۷.

۶- باندز، مایکل. (۱۳۹۰). نظریه اجتماعی شهری. ترجمه رحمت الله صدیق سروسناتی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۷- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۶). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. چاپ دوم. تهران: انتشارات شهیدی.

۸- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۷۶). "طراحی شهری چیست". مجله آبادی ویژه طراحی شهری. سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۳۰-۳۶.

۹- پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۲). دست متفکر. ترجمه علی اکبری. تهران: انتشارات پرهام نقش.

۱۰- تی هال، ادوارد. (۱۳۸۷). بعد پنهان. چاپ چهارم. ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۱- حیدری، شاهین. (۱۳۹۵). درآمدی بر روش تحقیق در معماری. چاپ سوم. تهران: فکرنو.

۱۲- رابینز، استیفن پی. (۱۳۸۱). مبانی مدیریت. چاپ چهارم، جلد ۲، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۱۳- رضائیان، علی. (۱۳۸۱). مبانی مدیریت رفتار سازمانی. چاپ سوم. تهران: سمت.

۱۴- زومتور، پیترو. (۱۳۹۴a). معماری اندیشی. چاپ سوم. ترجمه علی رضا شلویری، تهران: انتشارات حرفه هنرمند.

۱۵- زومتور، پیترو. (۱۳۹۴b). اتمسفر. ترجمه علی

اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.

۱۶- شایگان، داریوش. (۱۳۹۴). در جستجوی فضاهای گمشده در معماری. تهران: فرزانه.

۱۷- شهبازی، مژگان. (۱۳۹۰). ایران نگین پر فروغ. تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا.

۱۸- شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۱). معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پالاسما. تهران: انتشارات رخ داد نو.

۱۹- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۶). ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری. چاپ دوم، تهران: نشر فضا.

۲۰- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۱). فرهنگ و زندگی روزمره. تهران: نشر فرهنگ جاوید.

۲۱- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.

۲۲- قهرمانی، محمدباقر و پیروای ونک، مرضیه و مظاهریان، حامد و صیاد، علیرضا. (۱۳۹۴). "ارتباط تعاملی فضاهای سینمایی و فضای شهری معاصر". نشریه هنرهای زیبا- هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۲۰، شماره ۲/ پاییز و زمستان ۹۴، ص ۴۹-۶۰.

۲۳- کارمن، تیلور. (۱۳۹۰). مرلوپونت. ترجمه: مسعود علیا. تهران: نشر ققنوس.

۲۴- گروتز، یورک. (۱۳۹۳). زیبایی‌شناسی در معماری. چاپ دوم. ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۲۵- لفور، هانری. (۱۳۹۱). تولید فضا. ترجمه محمود عبدالله زاده، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

۲۶- لوسی اسمیت، ادوارد. (۱۳۸۷). آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم. چاپ هشتم. ترجمه علی رضا سمیع‌آذر. تهران: موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر.

۲۷- مرلوپونت، موریس. (۱۳۹۱). جهان ادراک. ترجمه فرزاد جابرالانصار، تهران: انتشارات ققنوس.

۲۸- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش. جلد اول و دوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۸۹

- 41- Gausta, M. et al. (2003). *The Metapolis Dictionary of Advanced Architecture*. Barcelona: ACTAR.
- 42- Goonewardena, K, Kipfer, S, Milgrom, R, Schmid, C. (2008). *Space, Difference, Everyday life*. London: Routledge.
- 43- Grosz, Elizabeth. (2001). *Architecture from the outside: Essays on virtual and real space*. Cambridge: MIT Press.
- 44- Hesse, B. & Sharlen, N. & Patricia, L.L. (2005). *The Practice of Qualitative Research*. London: Sag Publications.
- 45- Kwinter, S. (2001). *Architectures of time: Toward a theory of the event in modernist culture*. Cambridge: MIT Press.
- 46- Landry, Ch., Greene, L., Matarasso, F and Bianchini, F. (1996). *The Art of Regeneration: Urban Renewal through Cultural Activity*. London: Demos.
- 47- Lefebvre, Henri. (1991). *The Production of Space*. Translated by Donald Nicholson Smith. Oxford: Blackwell publishers.
- 48- Massey, Doreen. (1994). *Space, place, and gender*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- 49- Merleau-Ponty, Morris. (1962). *The phenomenology of perception*. Translated by Colin Smith. London: Routledge & Kegan Paul.
- 50- Pizarro, R.E. (2011). *Urban Design and Cinematic Arts, in Companion to Urban Design*. Edited by Tridib Banerjee and Anastasia Loukaitou-Sideris, London & New York: Routledge.
- 51- Poulet, Georges. (1977). *Proustian space*. Baltimore: Johns Hopkins University Press,
- 52- Quinn, B. (2005). "Arts Festivals and the City, Urban Studies". Vol. 42, No. 5-6, pp. 927-943.
- 53- Rai-Pi Huang, Emily. (1991). "Body in Space". Unpublished MA thesis. University of florida: Florida, The United States.
- ۲۹- نسبیت، کیت. (۱۳۸۹). *نظریه‌های پسامدرن در معماری*. چاپ سوم. ترجمه محمدرضا شیرازی. تهران : نی.
- ۳۰- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۳). *وجود، فضا و معماری*. ترجمه ویدا نوروزبرازجانی، تهران: پرهام نقش.
- 31- Adams, S. (2009). *An introduction to space-time physics*. London: Taylor & Francis.
- 32- Berressem, Hanjo. (2005). *Multiplicity: Foldings in Architectural and Literary Landscapes*. In Benesch, K. and Schmidt, K. (Eds.). *Space in America: Theory, history, culture*. Amsterdam: Rodopi.
- 33- Bruno, Giuliana. (2007). *Haptic Space: Film and the Geography of Modernity*. In Marcus, A. and Neumann, D. (Eds.). *Visualizing the City*. London and NewYork: Routledge.
- 34- Casey, E. (2009). *Getting back into place: Toward a renewed understanding of the place-world*. Bloomington: Indiana University Press.
- 35- Casey, E. (2001). "Between Geography and Philosophy: What does it mean to be in the Place-World?" *Annals of the Association of American Geographers*, 91 (4), pp. 683-93.
- 36- Casey, E. (2000). *Remembering: A Phenomenological Study*. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- 37- Cresswell, Tim. (2004). *Place, A Short Introduction*. Malden: Blackwell publishing.
- 38- Denzin, N. and Yvonna, S. L. (1994). *The Sage Hand book of Qualitative Research*. Second Edition, London: Sage Publication.
- 39- Forster, E. (1943). "Our Second Greatest Novel?" *Two Cheers for Democracy*, ed. Oliver Stallybrass (Harmondsworth: Penguin Books, 1976), pp. 231-35.
- 40- French, A.P. (1968). *Special Relativity*. London: Taylor & Francis.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۹۰

54- Relph, E. C. (1976). Place and Placelessness. London: Pion.

55- Richards, G. and Palmer, R. (2010). Eventful Cities: Cultural Management and Urban Revitalisation. Oxford: Elsevier.

56- Soja, Edward. (1990). Postmodern Geographies, the Reassertion of Space in Critical Social Theory. Second Edition. London: verso.

پی‌نوشت‌ها

- 1-Sanford Kwinter/ 2-Active/ 3-Hanjo Berressem/
4-À la recherche du temps perdu/ 5- Marcel Proust/
6-Henri Bergson/ 7-Jacques Derrida/ 8-Bernard Tschumi/
9-Rem Koolhaas/ 10-Coop Himmelblau/
11- Jean Nouvel/ 12- La Villette Park/ 13-Georg Simmel/
14-Walter Benjamin/ 15- Siegfried Krauer/
16-Eventfulness/ / 17- Michel De Certeau/
18-Christian Norberg-Schulz/ 19-Tim Cresswell/
20-Perceived space/ 21-Conceived space/ 22-Lived space/
23-Spatial practice/ 24-The Representation of Space/
25-Space Of Representation/ 26-Edward Soja/
27-Doreen Massey/ 28- Edward Casey/
29-Transformation/ 30-Refiguring /31- The Nature of Order/
32-The Timeless Way of Building/
33-The Pattern Language/ 34- Giuliana Bruno/
35-Synergy/ 36-Jacob L. Moreno/ 37-Placemaking/
38-Habitus.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

■ ۴۹۱ ■

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۷ تابستان ۹۶

No.47 Summer 2017

■ ۴۹۲ ■